

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Political

سیاسی

ک. پیکار پامیر

۳۱.۱۰.۰۹

لافیدن های داکتر عبدالله

در قبال دور دوم انتخابات

تصمیم مبنی بر تدویر دور دوم انتخابات در افغانستان، اگر از یکطرف مشت متقلبین به نام و بی نام را نزد افکار عامه افغانستان و جهان باز نمود و دموکراسی ادعایی امریکا را به نمایش گذارد، از سوی دیگر، کسانی را نیز جرأت بخشید تا در این اواخر، موازی با حامد کرزی در محراق توجه دیگران قرار گیرند و حتا به گزافه گویی و لافیدن های مضحک هم متوسل شوند.

داکتر عبدالله که سابقه ی کاری دیگری جز چند سال ترجمانی برای احمد شاه مسعود، قومندانی بخشی از جنگ افشار و مدتی هم اشتغال در رأس وزارت امور خارجه، نزد مردم افغانستان ندارد، همانقدر بی تناسب با مقام رهبری کشور عزیز ما افغانستان خواهد بود که آقای کرزی ظرف هشت سال گذشته بوده است. خوب، اگر از چنین دور باطل در چند دهه اخیر تاریخ سرزمین مان لحظه ای بگذریم که دیدنی های رنگارنگ، گفته ها و ادعا های عجیب و عبرتناکی از تازه به دوران رسیده های زمان را با خود حمل کرده است، جا دارد روی نکاتی مکت کنیم که اخیراً داکتر عبدالله ابراز داشته است:

شبکه اطلاع رسانی افغانستان به تاریخ بیست و ششم ماه اکتوبر امسال اطلاع داد که عبدالله گفته است:

" تا زمانیکه حامد کرزی رهبری کشورش را به عهده داشته باشد، تلاش ها برای پیروزی در جنگ با دشواری ها مواجه خواهد بود. "

همچنان، شبکه اطلاع رسانی از قول عبدالله نوشت:

" وی برنامه های زیادی دارد تا کشور را از فرش به عرش برساند تا جامعه از گردابی که در آن گیر افتاده است

نجات پیدا کند"

حال، بگذارید چند سؤالی از ایشان داشته باشیم: آقای داکتر! مسلماً معنی حرف شما اینست که چون " تلاش ها برای پیروزی در جنگ" تا زمانیکه حامد کرزی بر اورنگ قدرت باشد، به نتیجه نمیرسد، بنابراین، اگر مثلاً اوضاع طوری برگردد که شما به جای کرزی به این مقام نصب شوید، این "تلاشها" حتماً به نتیجه خواهد رسید!

هرگاه پاسخ (بلی) است، پس باید برای مردم افغانستان بگویید که چه معجزه ای در وجود تان نهفته خواهد بود که اگر به مقام ریاست جمهوری نایل شوید، میتوانید "تلاشها برای پیروزی در جنگ" را به نتیجه برسانید؟ دقت فرمایید؛ وقتی میخواهید به این سؤال پاسخ دهید باید این واقعیت را نیز در نظر داشته باشید که آقای کرزی ظرف هشت سال گذشته با آنکه از حمایت های مالی، نظامی، سیاسی و تبلیغاتی گسترده بیشتر از چهل کشور جهان برخوردار هم بود و یقیناً دلش هم سخت میخواست تا از راه به نتیجه رساندن "تلاشها"، برای خودش نامی و کردتی کمایی نماید، ولی به جای آنکه به سوی "نتیجه" برود، به سوی ترکستان رفت؟ زیرا، او امیری دست نشانده و کشورش هم در اسارت نیرو های خارجی است و همین نیرو های مسلح خارجی اند که ارباب امور و تصمیم گیرنده واقعی در سر زمین اجدادی ما میباشند. ما معتقدیم که هرگاه این نیرو های تا به دندان مسلح بین المللی میخواستند، میتوانستند ظرف هشت سال گذشته، لا اقل معضله امنیت را مرتفع سازند. باز، اگر وسیله ای، فورملی و یا معجزه ای به منظور "به نتیجه رسانیدن تلاشها در جنگ" داشته و دارید، چرا تا اکنون نخواستید آنرا در خدمت این تلاشها برای ختم جنگ و خونریزی در میهن تان بگذارید؟

به ویژه که شما وظیفه ریاست "جرگه" مشترک اقوام دو سوی مرز غرض تأمین صلح را نیز به عهده داشتید؟ زیرا هر انسان وطنپرست، به خصوص موقعی که وطنش مورد تهدید و تهلکه قرار می گیرد، هر آنچه در ید توان دارد، در راه نجات زادگاهش به کار می اندازد؟

آنچه بیشتر از همه مایه ی تعجب خواننده و شنونده میشود اینست که آقای عبدالله میگوید:

"اگر من برنده انتخابات افغانستان شوم، جامعه جهانی هم پیمان خوب و قابل اطمینانی در کشور خواهد داشت."

چه کسی بهتر از من میتواند مورد اعتماد مردم و مقامات خارجی در افغانستان باشد؟

در اندرون این اظهارات آقای عبدالله چند نکته نهفته است که باید باز شود: آقای داکتر! در "هم پیمان خوب" بودن و "مورد اعتماد بودن" تان برای جامعه جهانی، به ویژه ایالات متحده، کسی تردیدی ندارد، زیرا شما در همان ماه های اخیر سال ۲۰۰۱ میلادی، قبل از سقوط اداره طالبان و بعد از مرگ رهبر تان (احمد شاه مسعود)، این هم پیمانی و مورد اعتماد بودن را با نماینده خاص (سی آی ای) در دره پنجشیر به اثبات رسانیدید! و سایر رهبران تنظیمی و جبهه یی تان نیز در این زمینه، قبلاً گوی سبقت از دیگران را ربوده بودند. ولی اینکه میگوید کسی بیشتر از شما "مورد اعتماد مردم" نیست، اینجاست که مرتکب اشتباه بزرگ میشوید!

باید گفت که شما یا هنوز غرق رؤیا های شیرین و نازیدن های بچه گانه خویش هستید و یا مردم دلیر، دقیق سنج، صبور و حسابگیر افغانستان را آنطور که لازم است تا حال نشناخته اید!؟

شما باید توجه کنید که حمایت های موقتی یک یا دو والی، رهبر یا اعضای از یک "جبهه" متزلزل و نامتجانس سیاسی، کف زدن ها یا دودین های تنی چند از تملق گویان و مزد بگیران و... هرگز به معنی و مفهوم اعتماد مردم نخواهد بود که از سم توسن روزگار چنین گرد و خاک بسیار به هوا بلند شده است!!

واما، چه بهتر که پیرامون "برنامه های زیاد" تان که گویا میتوانید با استفاده از آنها، کشور را "از فرش به عرش" برسانید هم پرسش هایی داشته باشیم:

پرسش اینست که وقتی "تنظیم جمعیت اسلامی" به رهبری آقای ربانی که شما افتخار عضویت آنرا دارید، هیچگونه برنامه علمی و اقتصادی و سیاسی و عمرانی و... برای آینده کشور نداشته، جز جنگ و دعوا و پس روی و پیشروی و سازش و پذیرش و جز اندیشه های تعصبی عقب گرایانه و ضدیت با ترقی و تمدن و استفاده ابزاری از اسلام سیاسی و... چیز دیگری را نشاناسد، شما که یک عمر در دامان چنین تشکیل سیاسی پروریده شده

و اعتقادی به تشریک سایر هموطنان در قدرت سیاسی هم ندارید ، چگونه ، از چه راهی و با چه امکاناتی کشتی تکه و پاره شده افغانستان را اولاً از چنگال نهنگان اشغالگر می رها نید و باز آنرا از " فرش به عرش " می برید؟!

شاعر شیوا بیان شرق چه خوش سرود که :

زخون هرچند رنگی نیست تیغ قاتل ما را

قیامت می چکد هرگه بیفشارند داما نش.

هم میهنان عزیز ! با درد و دریغ که سر زمین محبوب و اما سرکوب شده ما (افغانستان) ، از سالهای متمادی است که منتظر رهبر یا رهبران سالم ، عالم ، متفکر ، دلسوز و حقیقی خویش باقی مانده و متأسفانه تا کنون چنین رهبر یا رهبرانی ندیده اند و چه بسا که تا سالها ن دیگر نیز چنین رهبرانی در تحت حاکمیت اوضاع خاص و ناگوار سیاسی- اجتماعی -استعماری، مجال تبارز نداشته باشند . به همین دلیل است که امروز ، سوگمندان می بینیم کسانی در مقام رهبری کشور قرار گرفته و یا ادعای رهبری ملت بزرگ افغانستان را به عمل می آورند که هرگز شایستگی ، درایت و عظمت آن مقام را نداشته و ندارند . ولی ، درعین حال اعتقاد داریم که عاقبت ، مردم عزیز و دردمند ما رهبران حقیقی و مدافعان حقوق ، آزادی و حیثیت بزرگ از دست رفته خود را در آغوش خواهند کشید و از چنگال اشغالگران ، ادعاگران ، جنایتکاران و نامردمان خواهند رهید و به آزادی و سر فرازی خواهند رسید ، هرچند همین اکنون نظاره گرمضحکه های بسیاری در دامان مادر میهنیم .

من آن نگین سلیمان به هیچ نستام که گاهگاه در او دست اهرمن باشد.